



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً هفته ی جهاد کشاورزی بر همه ی شما کشاورزان عزیز، بلکه بر همه ی ملت ایران مبارک باشد. دیدار با زحمتکشان عرصه ی کشاورزی - با توجه به اهمیتی که این بخش برای امروز و فردای این کشور دارد - برای من دیدار با اهمیتی است. مطالب خوبی هم بیان شد؛ هم آنچه که این چهار برادر ما، کشاورزان نمونه، گفتند، مطالب شیرین و دل نشینی بود برای من، و انعکاس مجموعه ی زیبایی بود از اعتماد به نفس، امید به آینده، تلاش بی وقفه و شجاعانه، در عین توکل به خداوند متعال؛ هم مطالبی که وزیر محترم ذکر کردند، کاملاً مطالب درستی است و نشان دهنده ی این است که تشکیلات مسؤو ل امر کشاورزی، با تدبیر و ملاحظه ی جوانب گوناگون کار، ان شاءالله در صدد است که این مسأله ی مهم را در کشور سر و سامان تازه یی بدهد. يك جمله به کشاورزان عرض می کنم، يك جمله به مدیران بخش کشاورزی.

حرف بنده به شما کشاورزان عزیز و به همه ی کشاورزان سراسر کشور این است که کاری که شما بر عهده گرفته اید، کار کوچکی نیست. همان کشاورزی که در يك نقطه ی دوردستی از کشور فرض کنیم بر روی يك یا پنج هکتار زمین مشغول کار است، به سهم خود یکی از پایه های اساسی حیات این کشور را بالا می برد. مواظب باشید کشاورزی تحقیر نشود؛ کشاورزی بسیار حایز اهمیت و دارای عزت است. ارزشی هم که در شرع مقدس اسلام شنیده اید که برای قشر کشاورز بیان شده است، ناشی از اهمیت این کار است. شما چه می کنید؟ شما با استفاده از نعمت خدادادی زمین و آب، گنجینه های الهی را - که در ذرات هست، در خاک هست، به وسیله ی نور خورشید و عوامل طبیعی این گنجینه ها بارور می شود - استخراج می کنید، تا انسان هایی که روی این زمین زندگی می کنند، زنده بمانند. اگر غذا نباشد، زندگی نیست؛ و شما غذای انسان ها را تأمین می کنید؛ لذا عظمت و ارزش این کار يك ارزش طبیعی و شبیه ارزش ذاتی است. امروز کشور ما - که مورد سوءنیت و کینه ورزی قلدراهای دنیاست؛ علت این کینه ورزی هم این است که این کشور حاضر نیست زیر بار قلدري قلدراه برود - بیش از همیشه به امنیت غذایی احتیاج دارد، تا برای نانش، برای خوراک روزمره اش، برای روغنش، برای گوشتش محتاج کشورهای دیگر نباشد؛ محتاج کسانی که می توانند در مقابل این عطیه، شرف او را مطالبه کنند، نباشد؛ امنیت غذایی برای کشور ما خیلی مهم است. سال گذشته که اعلام شد کشور به خودکفایی در گندم رسیده است، به نظر من حقیقتاً يك عید بزرگ برای این کشور بود. بنده از کشاورزان، از مدیران بخش کشاورزی، از جوانان عالمی که در این کار کمک کردند، از اعماق دل متشکر شدم، مطمئناً ملت هم متشکر شد؛ این حادثه ی بزرگی بود. مردان و جوانانی همت کردند که این کار بشود، و شد. ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه ی کشاورزی ما را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه ی محصولات کشاورزی دیگران - بیگانگان - درست کنند. با این افزایش جمعیت - امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد - اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما می دادند، يك منت سنگین، يك بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار می شد؛ هر وقت هم که مایل بودند، می توانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خودکفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین می کنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم داریم ته دلشان نگران باشد که اگر يك مشکلی به خاطر يك مسأله ی سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم. کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین می کند؛ این، افتخار بزرگی است؛ قدر خودتان را بدانید. من این را عرض می کنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه ی مشاغل دیگر آنها را به خود جذب می کند، بدانند که ارزش



و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد. امروز دیگر آن روزی نیست که یک کشاورز در طول سی، چهل سال همیشه روی یک قسمت از زمین کار کند و یک مشت گندم به دست بیاورد؛ خیر، امروز فنون جدید، دانش‌های جدید، تجربه‌های جدید وارد میدان شده‌اند. شما می‌بینید که بازده متوسط چهار تن گندم را یک انسان باهمت، به یازده، دوازده تن در هکتار می‌رساند؛ همین کار در برنج، در زیتون و در گلزا هم شده است. دیگر این طور نیست که منطقه، منطقه‌ی محدودی باشد. جوان‌ها وارد بشوند، آموزش‌های لازم را بگیرند؛ آنهایی که می‌توانند، تحصیلات لازم را در زمینه‌ی خاک، آب و مسائل گوناگون کشاورزی ببینند، بعد، به جان این سرزمین پُربرکت بیفتند و برکات الهی را از آن استخراج کنند؛ این کار ممکن است. دستگاه‌های دیگر هم البته باید کمک کنند. این، مطلبی بود که می‌خواستیم به شما کشاورزها بگوییم. کارتان بزرگ و مهم است؛ مهم در ابعاد ملی. اگر درست نگاه کنیم، با اهمیت نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته‌ی اسلام در این سرزمین، کار شما در ابعاد بین‌المللی مهم است. این کار را قدر بدانید و خدا را شکر کنید بر این که یک چنین توفیقی به شما ارزانی داشته است؛ روز به روز در این کار پیش بروید و جوان‌ها، حداقل جوان‌های همان خانواده‌ها و جوان‌های دیگری که در این رشته تحصیل کرده و علاقه و شوق دارند، به خیل انبوه کشاورزان ما ملحق بشوند.

مسئولان با این نگاه، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره‌ی کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند. البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه می‌کنیم، صنعت را نفی نمی‌کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخش‌های دیگر، مبدا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ چون این جا مسأله‌ی غذا و مسأله‌ی امنیت غذایی و مسأله‌ی استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته‌ی اول، که مسئولان با این چشم به مسأله‌ی کشاورزی نگاه کنند. این نگاه - همان طور که گفتیم - در دانشگاه، در بخش‌های دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم درس‌ها، در گرفتن دانشجوی، در پرداختن به استاد، اثر می‌گذارد، تا بقیه‌ی خدمات گوناگونی که دولت می‌تواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه که مربوط به بانک هاست، آنچه که مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، آنچه که مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است.

نکته‌ی دوم برای مسئولان این است که در کار کشاورزی، همین طور که اسم شما جهاد کشاورزی است، جهادی حرکت کنید. ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم شان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از آمریکا می‌خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند! باید روس‌ها می‌آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه‌ی چه کسی برویم، جز در خانه‌ی همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود - البته در روز اول، با ظرفیت کم - اما باور نمی‌کردند! امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الان در همین بخش انرژی هسته‌یی که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آن جا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این



عزت را برای کشور پدید آورده اند. در همه ی بخش ها همین طور است. به نیروهای بااستعداد، چه از جوان ها باشند و چه از انسان های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است. جهاد کشاورزی باید در معنای حقیقی کلمه، برای مسائل کشاورزی کشور و دامداری و بقیه ی کارهایی که برعهده ی این وزارت است، جهادی عمل کند.

مسأله ی سوم این است که ما به کشاورزمان می گوئیم تلاش کنید تا امنیت غذایی برای کشور به وجود بیاورید ؛ اما به مسؤولان مان می گوئیم این پایان کار نیست ؛ ما بایستی به صادرکنندگان این محصولات تبدیل شویم ؛ ما باید بتوانیم دیگران را بهره مند کنیم. این کار، کار دستگاه های گوناگون دولتی است که وسایلش را فراهم کنند ؛ ما می توانیم.

مرتب از این که ما از لحاظ آب در مضیقه هستیم، حرف می زنند ؛ خوب بله، ما می دانیم کشور ما از آن کشورهای پُر آب نیست ؛ اما آیا از همین آبی که امروز داریم، استفاده ی بهینه می شود؟ جواب، منفی است. این، جزو کارهای وزارت جهاد کشاورزی و وزارت خانه ها و دستگاه های گوناگون دولتی است که آموزش چگونگی استفاده ی از آب، تنظیم جریان آب در بخش های مختلف، نگهداری از همین مقدار آبی که از نزولات مبارک آسمانی است، با انواع و اقسام شیوه هایی که امروز در دنیا معمول است، جزو کارها قرار بگیرد. بنابراین، کشور ما از کشورهای پُر آب نیست، اما همین مقدار آبی که داریم، قادر است محصولات کشاورزی را سیراب کند. در زمین هم همین طور هستیم. من در گزارش ها خوانده ام که ما امروز اندکی بیش از هجده میلیون هکتار زمین قابل کشت داریم ؛ در بخش های مختلف: دیمی و آبی و باغی و غیره، که این مقدار می تواند به سی میلیون هکتار افزایش پیدا کند ؛ یعنی نزدیک به دو برابر. من در بعضی از بخش های این کشور - در مسافرت هایی که کرده ام - زمین هایی را دیده ام که با «کار» می توانند تبدیل بشوند به زمین های قابل کشت. ما خیلی امکانات در این کشور داریم. ما یک کشور به معنای حقیقی کلمه غنی هستیم و این «غنا» را مردم باید حس کنند ؛ از این غنا باید استفاده کنند. به زارع می توانیم بگوئیم روی این زمین، خوب و با شیوه ی علمی کار کن و محصول به دست بیاور ؛ چیز دیگری در اختیار او نیست ؛ ولی این مسؤولانند که بایستی نظام این کار را طراحی کنند.

بر روی دانه های روغنی و گلزا یا زیتون هم کار شود. یکی از کارهای خوب این دولت این است که می خواهند زیتون را هر چه بیش از پیش ترویج کنند ؛ وارد سبد غذایی مردم کنند، که جزو کارهای بسیار خوب است. البته کشور بایستی حتماً در برنج و گوشت و لبنیات هم به خودکفایی برسد ؛ این جزو کارهایی است که مسؤولان دولتی باید بکنند.

بخش آموزش کشاورزی و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه های ما و فرستادن جوان ها برای کمک به روستایی ها، جزو کارهای بسیار مهم است. البته به همه ی روستاییان و همه ی کشاورزان و کسانی که دست اندرکار کشاورزی اند، توصیه می شود که از این جوانان مطلع و خبره در کار کشاورزی استقبال کنند. بنده در بعضی از روستاها از نزدیک ملاحظه کردم که جوان های خبره و دانش آموخته ی کشاورزی، یک نفرشان بیکار نمانده بود! همه در مزارع مشغول کار شده بودند و نتیجه این شده بود که آن بخش از لحاظ محصول کشاورزی، رشد فوق العاده یی کرد، که در بیانات این عزیزان هم این مسأله را شنیدید. باید از شیوه های علمی استفاده کرد.

عزیزان من! امروز کشور شما، کشوری است در حال حرکت به جلو. این حرف ها مربوط به کشاورزی است ؛ ولی ما در قضیه ی صنعت، در قضیه ی تحقیقات، در امر سیاست، در رشته های گوناگون علوم، در پدید آوردن مسائل نو، در همه جا، حرکت هایی را به برکت انقلاب و به برکت نظام جمهوری اسلامی مشاهده می کنیم، که کشور به برکت آنها خواهد توانست این فاصله ی ژرفی را که دشمنان میان این کشور و میان کشورهای پیشرفته به وجود آورده اند، پُر کند. حرکت امروز کشور، حرکت مبارکی است ؛ حرکت سرشار از امید و نگاه به آینده. کاری که امروز دستگاه های مختلف می کنند، چه در این بخش - بخش کشاورزی - چه در بخش های دیگر، باید یک قاعده ی محکمی باشد که بتوانند بعد از بیست سال - وقتی دوران سند چشم انداز بیست ساله تمام شد - احساس افتخار کنند و بگویند ما بودیم که این تدابیر را اندیشیدیم و امروز کشور بعد از گذشت بیست سال، به این رشد و اعتلاء رسیده است ؛ که می



رسیم ان شاءالله. جوان های ما - شماها - خواهید دید ان شاءالله آن روز را ؛ و دشمنان مستکبر نظام جمهوری اسلامی از همین می ترسند و علت دشمنی ها، همین است. آنها از این که يك كشوری، يك ملتی، با تمسك به اسلام بتواند به این قله ی عظیم زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود برسد، نگرانند ؛ چون می دانند این بهترین مروج اسلام و بهترین مروج معنویت است ؛ می دانند که اگر این راه را این ملت طی کرد، جلوی زیاده خواهی ها و زیاده خواری های آنها گرفته خواهد شد. کمپانی های غاصب صهیونیست ها و دیگران، می خواهند دنیا را بچاپند ؛ سختشان است که ببینند يك ملتی در مقابل داعیه های آنها این طور در همه ی بخش ها جلو می رود ؛ اما علی رغم آنها ملت ایران به پیش خواهد رفت و اسلام عزیز سربلندتر از آنچه که هست، خواهد شد و ان شاءالله پرچم عزت اسلامی بر بلندای این ملت و همه ی دنیای اسلام به اهتزاز در خواهد آمد.

از خداوند متعال سلامت و سعادت همه ی شما را مسألت می کنم و امیدوارم مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشید و ان شاءالله همه تان موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته